

ضرورت اصلاح شاخص تورم



خرید می‌کنیم، به فروشگاه که می‌رویم می‌بینیم پولی که می‌پردازیم و فشار مالی‌ای که از زندگی تحمل می‌کنیم بیش از آنچه می‌گویند، است. این چه نرخ تورمی است؟

جام جم آنلاین: این تورم واقعی نیست، این نرخ رشد قیمت همه چیز را کم‌تر از آنچه هست، نشان می‌دهد.

خرید می‌کنیم، به فروشگاه که می‌رویم می‌بینیم پولی که می‌پردازیم و فشار مالی‌ای که از زندگی تحمل می‌کنیم بیش از آنچه می‌گویند، است. این چه نرخ تورمی است؟

اینها بخشی از تلقی عمومی درباره نرخ‌های تورمی است که توسط مراجع رسمی شامل بانک مرکزی و مرکز آمار ایران منتشر می‌شود.

اکنون این دو تلقی در برابر یکدیگر قرار گرفته‌اند و هیچ یک از طرف‌ها آن یکی را قبول ندارد. توضیحات رسمی مقامات و کارشناسان مسوولی که در محاسبه نرخ تورم نقش دارند تلقی عمومی درباره نرخ تورم و کاربردهای آن را غیرعلمی توصیف می‌کنند، اما در برابر آن افکار عمومی می‌گوید این دستگاه‌ها یا نمی‌توانند یا نمی‌خواهند به انعکاس واقعیات موجود در سطح اقتصاد در نرخ تورم بپردازند و توضیحات پیچیده و دیرفهم علمی آنها نیز بیشتر به پاک‌کردن صورت مساله یا ژست‌های آکادمیک می‌ماند که در سطح واقعی اقتصاد کاربرد ندارد.

با آغاز اجرای هدفمندی یارانه‌ها چالش کلامی این دو گروه از منتقدان و مدافعان نرخ تورم، شدت گرفته است و پیش‌بینی‌ها از افزایش نرخ تورم با اجرای این طرح نیز بر آن دامن می‌زد.

اوج این چالش‌ها مهر و آبان 89 بود، درست کمی پیش از آغاز رسمی اجرای هدفمندی یارانه‌ها. در آن ماه‌ها بانک مرکزی اعلام کرد نرخ تورم را تک‌رقمی کرده و به زیر 10 درصد رسانده است.

اعلامی که یک تیغ دبله بود؛ از یکسو مردم را از تبعات تورمی اجرای هدفمندی یارانه‌ها نگران می‌کرد و از سوی دیگر چشم‌ها را بیشتر بر تغییرات نرخ تورم، متمرکز می‌ساخت.

شاید ریشه کنونی بالا گرفتن مناقشه میان مدافعان و مخالفان، واقعیت داشتن نرخ کنونی تورم در زمان آستانه اجرای مرحله دوم هدفمندی یارانه‌ها باشد.

فراز و نشیب‌های نرخ تورم

با این حال نرخ تورم فقط درگیر این جدال نیست. این شاخص امسال سرنوشت پرفراز و نشیبی داشته است که این سرنوشت شاید به تقویت موضع منتقدان نرخ تورم کنونی و تلقی افکار عمومی در این زمینه منجر شده باشد.

ماجرای اجرای برنامه پنجم توسعه آغاز شد. ماده 54 برنامه تصور کرده بود که مسوول تهیه و انتشار تمامی آمار رسمی کشور از جمله نرخ تورم از این پس مرکز آمار است لذا بانک مرکزی در اعتراضی خاموش اعلام نرخ تورم را از اول اردیبهشت امسال و در حالی که نرخ تورم به آرامی در حال افزایش بود، متوقف کرد. از آن سو مرکز آمار ایران نیز که فاقد هرگونه سیاست و سازوکار اطلاع‌رسانی است، توانست مانند روبه منظم بانک مرکزی نرخ تورم را ماهانه اعلام کند.

در نتیجه این تلقی به وجود آمد که محروم کردن بانک مرکزی از انتشار نرخ تورم، تاکتیکی برای اعلام نکردن آن بوده است، چون احتمالاً دولت نمی‌خواست درگیر تبعات اعلام نرخ بالای تورم شود.

این تلقی که ابتدا در میان مردم بود کم‌کم به مجلس نیز تسری یافت و اعتراف‌های علنی و نامه‌نگاری‌های برخی اقتصاددانان شاخص مجلس را برانگیخت حتی صحبت از طرح فوری برای اصلاح ماده 54 برنامه نیز به میان آمد تا بانک مرکزی را مجدداً مکلف به اعلام نرخ تورم کند اما این ماجرا سرانجام خاتمه یافت و اعلام نرخ تورم از آبان امسال با رسیدن به رقم 19.8 درصد و در آستانه 20 درصدی شدن از سر گرفته شد.

با این حال کارشناسان می‌گویند آنچه در انتهای این مناقشه هفت ماهه بر سر نرخ تورم بر جای ماند، قوت گرفتن این تفکر در میان عامه مردم بود که نرخ تورم فعلی گویای وضعیت حال حاضر اقتصادی کشور نیست.

این چنین است که کارشناسان اقتصادی از دولت می‌خواهند هم برای اصلاح وضعیت اقتصادی کشور و هم برای بازگرداندن اعتماد مردم به شاخص حساسی چون تورم در آستانه اجرای مرحله دوم هدفمندی یارانه‌ها فکری کند.

این نرخ باید اصلاح شود

دکتر ابراهیم رزاقی، استاد اقتصاد دانشگاه تهران در این باره به خبرنگار ما می‌گوید: شیوه محاسبه نرخ تورم فعلی دو ضرر به همراه دارد؛ ضرر اول و بزرگ‌تر را کلیت اقتصاد کشور می‌بیند. چون به این نرخ اعتماد ندارد و احساس می‌کند نرخ تورم فعلی بالاتر از این‌هاست، جرات سرمایه‌گذاری بلندمدت را در خود نمی‌بیند، محافظه‌کار شده و در بهترین حالت به حفظ وضعیت موجود خود دست می‌زند. در نتیجه نرخ تشکیل سرمایه ثابت در اقتصاد و رونق و اشتغال کاهش می‌یابد.

وی افزود: اما بخش دیگر به مردم برمی‌گردد، آنان که دارای سرمایه‌های خرد اما متعدد هستند، آنان نیز به نرخ تورم فعلی اعتماد ندارند، چون با واقعیات اقتصادی نمی‌خوانند لذا تصمیمات اقتصادی‌شان را نیز به سویی سوق می‌دهند که سودی متناسب با تورمی بسیار بالاتر از تورم رسمی داشته باشد تا حداقل از کاهش ارزش پول خود جلوگیری کنند.

این است که به بازار طلا و ارز هجوم می‌آورند و به بازده بورس که شاید تقریباً متناسب با نرخ تورم فعلی باشد، رضایت نمی‌دهند.

وی اظهار کرد: لذا نباید به این بی‌اعتمادی به شاخص تورم ادامه داد و آن را سرسری گرفت. اقتصاد ایران شاخص تورمی می‌خواهد که مردم آن را بپذیرند. نتیجه این رفتار را در استقبال نکردن از اوراق مشارکتی‌ای که اخیراً عرضه شد، دیدید.

وی افزود: در نرخ تورم فعلی ما چیزی به نام 171% ؛ عامل روانی $\&$ وجود ندارد. نرخ تورم صرفاً از طریق تغییرات قیمتی یک سبد کالا در مقایسه با سال پایه‌ای که حدود هفت سال از تعیین آن می‌گذرد به دست می‌آید. حال آن که قیمت‌ها در ایران تحت عوامل غیراقتصادی تغییر می‌یابند که در مدل‌های موجود، مورد استفاده نیست.

نکته: کارشناسان می‌گویند برای کاهش 171% ؛ احساس ناامنی اقتصادی $\&$ باید با تغییر در شیوه محاسبه نرخ تورم، آن را واقعی و برای مردم قابل لمس و باور کرد

وی اظهار کرد: ما برای تغییر در محاسبه نرخ تورم باید دو کار انجام دهیم؛ اول این که سال پایه تورم را به سال آغازین هدفمندی یارانه‌ها تغییر دهیم و این به لحاظ علمی کاملاً شدنی است اما کار بانک مرکزی را دشوار می‌کند و دوم این که سهمی برای عامل روانی نرخ تورم در نظر بگیریم. توجه داشته باشید به علت سیاست‌های جزئی دولت در اقتصاد، رفتار مصرف‌کنندگان عامل تغییرات قیمتی موجود نیست که نرخ تورم بر آن اساس به دست آید، بلکه اتفاقاً عکس آن در جریان است.

وی توضیح داد: یعنی مصرف‌کننده ایرانی فعلاً کمتر کالا می‌خرد و ذائقه روانی‌اش را به سوی بازارهای سرمایه‌ای روانه می‌کند. کالاهایی که اصولاً جایی در سبد تورم ندارند.

مثلاً بانک مرکزی چرا تغییرات قیمتی کالاهایی که جامعه روی آن 171% ؛ زوم روانی $\&$ دارد را در نرخ تورم لحاظ نمی‌کند؟ مثلاً طلا و دلار؟ مگر تغییرات قیمتی این کالاها حرکت نقدینگی و تورم روانی نیست؟ اگر این کار را بکنند گوشه‌ای از نرخ تورم واقعی دیده خواهد شد.

رزاقی تصریح کرد: با آغاز فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها و رشد مجدد قیمت حامل‌های انرژی، مدل کنونی نرخ تورم، کارآمدی خود را از دست خواهد داد و اگر جایی برای تورم روانی از طریق لحاظ کالاها و بازارهای جذب‌کننده نقدینگی سرگردان اندیشیده نشود، علامت‌های نادرستی به مدیران و کل اقتصاد داده می‌شود و آنان چون نادرستی این علامت‌ها را درمی‌یابند به رفتار رکودی محافظه‌کارانه خود ادامه داده و رکود تورمی موجود تشدید می‌شود.

عامل انسانی در نرخ تورم، موجود نیست

دکتر مهدی تقوی، استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی به خبرنگار ما می‌گوید: اقتصاد یک علم انسانی است که رفتار شخصی یا گروهی انسان سرنوشت شاخص‌های آن را تعیین می‌کند. حال اگر این شاخص‌ها برخلاف تلقی عمومی حرکت کند، چیزی از واقعیت کم نخواهد شد، چون انسان مستقلاً راه خود را می‌رود و رفتار اقتصادی‌اش را متناسب با سود خودش تنظیم می‌کند.

وي افزود: اما شاخص‌هاي اقتصادي چون تورم و غيره چرا به وجود آمده‌اند؟ هدف اين است كه اين شاخص‌ها گزارشگر و هشداردهنده و آينه وضعيت و رفتار اقتصادي باشند و به روستا علامت دهند كه چه بايد بكنند. به مردم نيز علامت دهند بهتر است چه كنند، يعني لازمه خاصيت اين شاخص‌ها راستگويي، صداقت و ضمنا لمس واقعي آن از سوي رفتاركنندگان و بازبزرگان اقتصاد است.

استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائي اظهار كرد: وقتي واقعيت و صداقت را از شاخص‌هاي اقتصادي و از جمله تورم بگيريد، ديگر چيزي جز چند عدد خالي نيستند و كسي روي آنها اعتبار باز نمي‌كند و آن را ملاك عمل قرار نمي‌دهد. نرخ تورم ما امروز دچار چنين وضعيتي شده است و كسي آن را به حساب نمي‌آورد.

وي افزود: لذا بايد اين شاخص بهينه‌سازي شود. راه‌حل آن اين است كه شما راه‌هاي جديدي براي تحليل رفتار واقعي مصرف‌كننده پيدا كنيد. سبد كالايي را متنوع كنيد و به سوي كالاهايي برويد كه مصرف‌كننده به سوي آن سوق دارد.

دكتور تقوي اظهار كرد: مگر طلا كالاي مصرفي نيست؟ مگر ارز خريده نمي‌شود؟ خريداري يعني مصرف، چون مالكيت تغيير مي‌كند و تقاضا را در برابر عرضه بالا مي‌برد.

لذا بازارهاي جديد و كالاهاي جديد بايد به سبد تورم اضافه شود تا منعكس‌كننده تورم رواني و حركت نقدبنگي باشد.

وي تصريح كرد: از سوي ديگر اقتصاد ايران نظم خاصي دارد. چون 70 درصد فعاليت‌هاي آن در تهران است. لذا شما بايد يك نرخ تورم ويژه براي تهران طراحي و حساب آن را از ساير نقاط کشور جدا كنيد. چون رفتار مصرف‌كننده تهراني در درآمد، قيمت، نقدبنگي در گردش، رونق و... با تمام نقاط کشور بسيار متفاوت است.

دكتور تقوي گفت: البته وقتي اين‌كارها را بكنيد، نرخ تورم احتمالا افزايش مي‌يابد، چون شما فرم ميانگين آن را كه ارقام را تعديل مي‌كند تا حد زيادي شكسته‌ايد. ارقام زياد تهران را مثلا ارقام اندك لرستان يا هرمزگان کاهش مي‌دهد. اين خاصيت را بگيريد، حتما نرخ‌ها افزايش مي‌يابد، اما اين افزايش سودمند است.

اين استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائي تصريح كرد: دولت نبايد از اعلام تورم رشد يافته بترسد. بخشي از اين هراس بايد باشد، چون به تلاش براي کاهش آن منجر مي‌شود، اما اين هراس نبايد به نادیده گرفتن تورم منجر شود چون ضررهائي به مراتب بيشتري از اعلام تورم بالا به دنبال دارد و احساس ناامني اقتصادي و اين كه همه چيز غيرثابت است و هميشه يك واقعيت در پس پرده است كه اگر بيرون بيفتد، همه چيز نابود مي‌شود، ذهن افراد را مغشوش مي‌كند. اين است كه به دولت پيشنهاده و توصيه مي‌كنيم در آستانه اجرائي مرحله دوم هدفمندي يارانه‌ها در سياست‌هاي آماري خود در بخش ارقام تورم، تجديدنظر كند. سخت است اما غيرممکن نيست...

سيد علي دوستي موسوي - گروه اقتصاد